

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

یادداشت: تشریف آوری آقای بهرام آذری آمونیاپی نویسنده پرکار کشور را به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" خیر مقدم گفته ضمن تشکر از نیشته ارسالی شان، امیدواریم ارسال این مقاله سرآغازی باشد برای همکاری های دوامدار بعدی شان با پورتال.

پورتال AA-AA

بهرام آذری آمونیاپی

۱۷ حوت سال ۱۳۸۷ خورشیدی

## مدارس؛

### پاسدار جغرافیای ایدیولوژیک پاکستان

پس از آغاز به اصطلاح جنگ سرد و یورش سوسیال امپریالیسم روس بر افغانستان، کشور های غربی به ویژه ایالات متحده امریکا به یاری تیوریسین های سرمایه داری به فکر تدارک و راه اندازی جنگ بزرگ و گسترده ستراتیژیک با مضمون نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدیولوژیک در دو رویکرد گرم و سرد با اتحاد جماهیر شوروی شدند. به ویژه پس از تجاوز شوروی به افغانستان این برنامه بیشترین شدت خود را یافت.

افغانستان در آن روزگار حداقل نسبت به پاکستان از پرستیژ بیشتر سیاسی و نظامی در منطقه برخوردار بود و دولت مرکزی قوی و اردوی منسجم و کارا داشت.

در سال ۱۹۴۹ افغانستان معاهده دیورند را ملغا اعلان کرد و دولت وقت در سیاست خارجی خود مسأله ای را به نام پشتونستان گنجانید.

پاکستان که دو سال از عمر آن میگذشت، خود را با دو دشمن شرقی و غربی (هندوستان و افغانستان) روبرو دید؛ با هوشیاری تمام نخست خود را زیر چتر ایالات متحده امریکا قرار داد و سپس با تجهیز سازمان استخباراتی خود به این سازمان وظیفه داد تا از هر فرصت به دست آمده در برابر دو کشور افغانستان و هندوستان استفاده کند.

"آی. اس. آی" با استفاده از ترفند های پخته ستراتیژیک برای به زانو در آوردن این دو کشور، یکی از اساسی ترین و کلیدی ترین شیوه ها را که ایجاد، تمویل و تسلیح بنیادگرائی اسلامی بود، به کار گرفت. این سازمان در میان مناطق قبایلی با جمع آوری و تمویل ملایان، آخوندها و رهبران مذهبی که در میان قبایل از نفوذ و اعتبار خاصی برخوردار بودند به تبلیغ این ایده ها پرداخت که پاکستان کشور اسلامی است، اسلام دین همه مسلمانان جهان بوده، مرز نمیشناسد و از همه علایق و خواسته های قومی و عشیره یی آزاد است. برای گسترش دین اسلام باید با کفار مبارزه کرد. چون

اکثر مردم هندوستان پیرو دین هندوئیسم هستند پس جهاد با این کشور فرض است و آزادی کشمیر که مردم آن مسلمان اند وظیفه اسلامی هر مسلمان است.

"آی اس آی" با این کار دو مسأله اساسی را هدف قرار داد. نخست تبلیغ ملایان دینی و گسترش تعلیمات دینی باعث شد تا داعیه "پشتونستان آزاد" ناسیونالیستهای پشتون کمرنگ و خنثا شود و از سوی دیگر مانع رشد و پیشرفت مناطق قبایلی گردد. بدین ترتیب دولت پاکستان به دو هدف مهم خود رسید. از یک سو مانع عصری شدن و پیشرفت این مناطق گردید و از سوی دیگر باعث کمرنگ کردن ناسیونالیسم پشتون شد.

تجاوز شوروی به افغانستان چانس طلائی دیگری بود که دولتمردان پاکستانی و سازمان استخباراتی پاکستان در آرزوی رسیدن به آن بودند. سردمداران اتحاد شوروی وقت که خواب رسیدن به آبهای گرم را میدیدند، به افغانستان یورش بردند و شعار کمونیسم و سوسیالیسم سردادند. اینکه این ادعا چقدر کذائی و عوام فریبانه بود بحث دیگری است.

ایالات متحده امریکا که در انتظار چنین روزی بود و گرفتن انتقام ویتنام و پیروزی نهائی بر شوروی را در تیتراژ اول برنامه جهان گشائی خود قرار داده بود، به یاری عربستان سعودی و انگلستان، تربیه، تمویل و رشد بنیادگرائی اسلامی را در برابر اتحاد شوروی، یگانه اهرم کارا تشخیص داد. چون پاکستان از یک سو با کشور افغانستان مرز درازی داشت و از نظر ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک اهمیتی خاصی را دارا بود، از سوئی هم پاکستان درین نبرد با کشور های غربی بیشتر همونوا بود زیرا پرونده ارضی افغانستان با پاکستان به شدت خود ادامه داشت و افغانستان پاکستان برای چیرگی بر یکدیگر در یک معادله نا برابر جغرافیائی مبارزه میکردند؛ ایالات متحده امریکا و انگلستان این کشور را بهترین گزینه برای نفوذ در افغانستان و رویارویی با اتحاد شوروی انتخاب کردند.

پاکستان که از هر موقع برای غلبه بر کشور ما استفاده میکرد، با سینه باز به این درخواست لبیک گفت.

دولت پاکستان با ایجاد هزار ها مدرسه دینی در پاکستان به خصوص در مناطق قبایلی در ایجاد و راه اندازی بنیادگرائی اسلامی سهم کلیدیش را ادا کرد و این کشور به پایگاه های امن جهادی ها، شورشیان ناراضی، اسلامگرایان تندرو، وهابیان، سلفیان و غیره تبدیل شد. کار اساسی این مدارس در ظاهر امر داعیه جهاد فی سبیل الله و مقاومت در برابر به اصطلاح نفوذ کمونیسم بود، ولی در نهان این سازمان ها و مدارس ابزار جنگی ایالات متحده امریکا و انگلستان در نبرد بزرگ دو امپراتوری دنیا بودند که جنگ افغانستان آغاز اساسی آن به حساب می آمد. درین هنگام که افغانستان به گرهگاه اصلی تضاد دو امپریالیسم مبدل شد، مدارس دینی کارا ترین اهرم پیروزی غرب بر اتحاد شوروی وقت بودند. تعداد دقیق مدارس دینی در پاکستان معلوم نیست اما گفته میشود که ۲۰ هزار مدرسه در پاکستان وجود دارد. در آن زمان این نیرو ها برای تخریب و سوزاندن مکاتب، از بین بردن پلها، کشتار مردم بی گناه به اتهام کمک به نیروهای روسی، قتل شخصیت های ملی، روشنفکران، کشتار داکتران و تخریب کلینیک های صحی و قتل صاحب رسوخان قومی، در پاکستان تربیه و به افغانستان گسیل میشدند. "آی اس آی" با ایجاد هفت تنظیم اسلامی افغان در پاکستان به مبارزه با نیروهای اشغالگر روسی و دولت دست نشانده کابل، سمت و سوی جدی داد. این تنظیم ها پیش ازآنکه به قدرت برسند، در جنگ های قومی در گیر شده، مقاومت ملی مردم افغانستان را قربانی خواسته های تنظیمی و حزبی شان کردند. پاکستان بدین وسیله کمک های هنگفت ایالات متحده امریکا، عربستان، انگلستان، فرانسه، امارات متحده عربی، آلمان، چین و غیره کشور ها را دریافت کرد و بدین وسیله اقتصاد ناتوانش را ترمیم و دارنده اردوی مجهز به سلاح هسته ئی شد اما افغانستان تقریباً همه هستی و دار و ندار نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را از دست داد.

گرچه ایران نیز درین میان با ایجاد تنظیم های متعدد بنیادگرا در افغانستان کوشید تا ماهی مرادش را شکار کند، اما پاکستان پرورشگاه اصلی سازمانها و احزاب بنیادگرای اسلامی به حساب آمده، بیشترین توجه دولت های غربی را به خود جلب کرده بود.

پس از فروپاشی شوروی هم این سازمانها و تنظیم های بنیادگرای اسلامی ساخته و پرداخته پاکستان و ایران بودند که کابل را به حمام خون مبدل ساختند و تحفه ای جز دربه دری، نابودی زیربناهای اقتصادی و فرهنگی، تجزیه اردو، از بین رفتن تأسیسات دولتی و تخریب منازل، کشتار ۶۵ هزار کابلی، تجاوز بر دختران و زنان و نابودی ۷۰ درصدی شهر کابل را به ارمغان نیاوردند. آنچه پاکستان ازین همه سود برد، از بین رفتن اردوی افغانستان و تجزیه دولت مرکزی به قدرت های قومی و ملوک الطوائفی بود که با روی کار آمدن گروه طالبان، آرزوهای سازمان استخبارات و دولت پاکستان تا حدی به ثمر رسید و کشور ما به وابستگی ۹۰ درصدی آن کشور در آمد. نواز شریف صدر اعظم سابق پاکستان باری در تبلیغات انتخاباتی خویش گفته بود: "نابودی اردوی بسیار نیرومند افغانستان یکی از افتخارات پاکستان است و اگر او دوباره صدر اعظم انتخاب شود، سعی خواهد نمود تا افغانستان را به صوبه پنجم پاکستان تبدیل نماید."

اما حادثه یازدهم سپتامبر نشان داد که پاکستان کور خوانده است. بنیادگرایی اسلامی که پاکستان و امریکا آنرا برای نیل به اهداف دراز مدت شان آفریده بودند، بلای جان خودشان شد و این فرزند ناخلف بدون اینکه از آفریدگار خود سپاسگذاری کند، به او حمله کرد.

حال این مدارس نه تنها افغانستان و پاکستان را بلکه تمام دنیا را به رویارویی فرا خوانده اند.

گرچه پاکستان ظاهراً در مبارزه با تروریسم جانب امریکا را گرفت و برای مبارزه با این مدارس خواست تا وجود شان را قانونی و محدود کند اما درین کار موفق نشد زیرا این مدارس ریشه هایشان را در تار و پود جامعه پاکستانی دوانده و با مافیای بزرگ تروریسم جهانی پیوند پیدا کرده بودند، که دیگر یک کشور توان مقابله با آن را نداشت. با آنهم گفته میشود که این رشته سر درازی دارد و کشور های معینی به شمول پاکستان هنوز هم ازین مدارس حمایت می کنند. آنچه روشن است اینکه پاکستان در مبارزه علیه تروریسم جهانی صادق نبوده است. پس از گذشت یک سال از استقرار دولت آقای کرزی، طالبان دوباره زنده شده و به مبارزه علیه دولت جدید افغانستان و نیروهای خارجی دست بکار شدند و حملات انتحاری تروریستی را که تا پیش از یازدهم سپتامبر در تاریخ افغانستان سابقه نداشت، سازماندهی و اجرا کردند. (\*)

"آی اس آی" پاکستان در حادثه ۱۱ سپتامبر نقش برجسته ای داشت. درست چند روز بعد از ۱۱ سپتامبر چندین رسانه معتبر خبری از ارتباط مستقیم "آی اس آی" با "تروریستان" حملات ۱۱ سپتامبر خبر دادند. وال ستریت ژورنال، به تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۰۱ نوشت که "جنرال محمود احمد رئیس "آی اس آی"، ارتباط مستقیم با سعید شیخ مسؤول مالی حملات ۱۱ سپتامبر داشت و طبق هدایت جنرال محمود، سعید شیخ مبلغ صد هزار دالر امریکائی به محمد عطا ارسال داشته است. بنابر فشار دولت امریکا جنرال محمود از وظیفه اش برکنار شده است."

به اساس بررسی یک ژورنالیست فرانسوی توسعه مدارس دینی در صوبه سرحد پس از یازدهم سپتامبر ۲۸ مرتبه نسبت به پیش از آن افزایش یافته و در سال ۲۰۰۵ به ۶۸۷۰ باب رسیده بود. پس در صوبه سرحد هزاران مدرسه وجود دارد که به شست و شوی مغزی مردم پرداخته، جوانان را آماده حمله انتحاری به افغانستان و هندوستان میکنند. عامل اصلی جلب و جذب جوانان به انتحار و شهادت در راه خدا، تبلیغ بی حد و حصر اسلام گرایان تند رو و نفوذ گسترده بنیادگرایی اسلامی در مدارس پاکستان به ویژه در صوبه سرحد است اما افزون برین ها مشکلات اقتصادی،

سطح نازل سواد، جذب‌های دینی، عقب ماندگی اجتماعی و ساختار قبایلی نیز کمک میکنند تا جوانان بیشتر ترغیب به انتحار گردند.

زمانیکه افغانستان زیر اشغال روسها قرار داشت این مدارس جوانان را به جهاد علیه شوروی‌ها تشویق مینمودند. بیشترین منابع تغذیه این مدارس کمپ‌های مهاجر نشین افغانی بود و این کمپ‌ها به منبع سربازگیری این مدارس تبدیل شده بود. حال این مدارس جوانان را به جهاد علیه نیروهای امریکائی و شهادت در راه خدا شست و شوی مغزی میکنند. درین مدرسه‌ها پروسه آموزش به گونه ایست که دانش آموزان بیشتر از پیش به خوی و عادت تند روی و خشونت عادت میکنند. درین مدارس به جای مراعات و تطبیق شالوده‌های روان شناسانه آموزش به لت و کوب شاگردان پرداخته آنانرا به پذیرش دگماتیک اصول دینی فرا میخوانند.

درین مدرسه‌ها شاگردان به گونه پرورش می‌یابند که گوئی جهان "یک کوره ده عقب مانده" است و تمدن بشری به عامه، نماز خواندن، سر بریدن، جهاد، شهادت در راه خدا، پیراهن تنبان، تسبیح، ریش، نصور، انتحار، دره زدن، مکتب سوزی، تخریب پل، کشتن معلمان و شاگردان، تیزاب پاشیدن به روی دختران و زنان و زندانی کردن آنان در گوشه چهار دیواری خانه فشرده میشود. به اینان گفته میشود که در افغانستان به جهاد شان ادامه دهند اما در پاکستان کاری ندارند که چه جریان دارد.

به گزارش یک روزنامه پاکستانی ملا عمر در فرمانی به نیروهای تحت امرش گفته بود که نیروهای امنیتی پاکستان، برادران مسلمان آنان اند و آنان باید برای جهاد به افغانستان بروند. یعنی پاکستان کشور اسلامی است اما افغانستان هنوز کافرستان است.

کشوری که به افغانستان تروریزم، بم، انتحاری، لنگی، پیراهن تنبان و نصور صادر میکند، در شهرهای لاهور و پشاور و ده‌ها شهر دیگر آن فحشاء بیش از هر چیزی معمول است؛ در هیره مندوی لاهور، فحشاء به گونه علنی رایج است؛ لاهور، کراچی و پشاور شاهد کنسرتها و محافلی اند که آواز خوانان زن بدون حجاب شرعی در صحنه حاضر شده آواز میخوانند و هیچ قید و بند دینی و اسلامی در آنجا وجود ندارد؛ از احزاب کمونیستی گرفته تا گروهک‌های تروریستی و باند‌های مافیا درین کشور آزادانه فعالیت میکنند؛ زنان بدون حجاب شرعی در محضر عام و شهرها گشت و گذار میکنند؛ کلیسا وجود دارد؛ سینما و رادیو و تلویزیون فعال اند. اما این کشور به ایجاد، تجهیز و تمویل سازمانها و گروهک‌های تروریستی پرداخته و می‌پردازد که هیچ یک ازین ارزشها را نمیپذیرند. عملکرد گروه طالبان را که توسط سازمان استخبارات پاکستان، ایالات متحده امریکا، انگلستان و عربستان به وجود آمده بود، در افغانستان دیدیم و از هیچ کس پوشیده نبود. آنان کوچکترین روزنه تمدن و انسانیت قرن بیست و یکم را بر روی مردم بسته بودند و این رژیم توسط پاکستان و سازمان استخبارات آن کشور تا آخرین لحظات رویداد یازدهم سپتمبر علنی و آشکار حمایت میشد.

داکتر ممتاز علی میمون، معاون امیر جماعت اسلامی در ولایت سند پاکستان در اخطاریه‌ای به اصف علی زرداری گفته بود که مدارس پاسداران سرحدات عقیده‌تی پاکستان محسوب میگردند. سکرتر جنرال وفاق المدارس العربیه، قاری محمد حنیف جلندری نیز حین اشتراک در یک بحث پارلمانی در مورد مدارس، اظهار داشت که محصلان (طالبان) مدارس و علماء هر دو مسوول ایفای نقش در دفاع از سرحدات عقیده‌تی و جغرافیائی پاکستان هستند. صدر اعظم اسبق پاکستان، چودهری شجاعت حسین نیز گفته بود که: "مدارس اردوگاه‌های نظامی عقیده‌تی پاکستان هستند. هیچ نوع از افراط‌گرایی و ارباگری در مدارس تدریس نمی‌شود."

بنابراین پاکستان، یگانه شرط موجودیت جغرافیائی خود را در وجود این مدارس می بیند و میکوشد به هر نوعی که شود این مدارس را حفظ کند. سردمداران پاکستان در ظاهر از مبارزه صادقانه با تروریسم دم میزند اما در نهان به این مدارس کمک می کنند تا حملات دهشت افگانه شان را در افغانستان و هند گسترش دهند تا اینکه پاکستان بتواند از یک سو این کشور ها را نا امن نگهدارد تا نتوانند داعیه های ارضی شان را با این کشور در میان بگذارند و از سوی دیگر نفوذش را از طریق سازمانهای تروریستی و مدارس بر کشور های مزبور بیشتر و گسترده تر کند. بنابراین این مدارس پاکستانی پاسداران اصیل و نمک شناس ایدیولوژی توسعه خواهانه دولت پاکستان و سازمان استخبارات آن به شمار میروند. ایدیولوژی حاکم بر "آی. اس. آی" و دولت پاکستان رشد و صدور تروریسم جهانی به کشور های افغانستان و هند، ایجاد و تداوم نا امنی در منطقه، حمایت و تمویل بی دریغ شورشیان طالب در کشور ما، نفاق افگنی قومی و تخریب زیربنای اقتصادی و اجتماعی افغانستان است.

منابع:

لوموند دیپلوماتیک، مارچ ۲۰۰۶

پاکستان، تروریسم و اهرم های مخفی قدرت، حکیم نعیم، دسامبر ۲۰۰۷

(\*):

مواضع سیاسی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" در قبال اداره مستعمراتی کرزی روشن است. عدم دخالت ما در متن نوشته احترام ما را به آزادی عقیده و بیان می رساند، ورنه مبرهن است که از دید ما اداره مستعمراتی کرزی و اداره های مستعمراتی مشابه به آن نهاد هائی اند دست نشانده ، که نباید آنها را هیچ گاهی زان افغانستان دانست.

پورتال AA-AA